

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

مرا م مشروطه خواهان اول :

مرا منامه این جمعیت تا اکنون به شکل کتبی و یا تحریری به دست نیامده و هر نویسنده به رؤیت آثار تاریخی داخلی و یا منابع خارجی علی الخصوص مکاتیب و راپورهای اند یا آفس لندن و یا تماس با شخصیت های درگیر در آن نهضت، افراد و سایر مراجع دولتی و یا خصوصی با کلمات و جملات متفاوت و مفهوم واحد مرانامه مشروطه خواهان اول را انشاء نموده اند. مرحوم غبار مرا م مشروطه خواهان مذکور را چنین توضیح می نماید: «... با لآخره معلمین و کارمندان مدرسه حبیبیه با عده ای از روشنفکران خارج مدرسه و هم عده روشنفکران دربار در تماس آمده و به اتفاق هم به تشکیل یک حزب سری ملی سیاسی به نام «جمعیت سرملی» پرداختند. مرا م این جمعیت تبدیل حکومت مطلق العنان به یک حکومت مشروطه، تحصیل استقلال افغانستان و نشر تمدن و فرهنگ جدید در افغانستان بود.»

مرحوم حبیبی از قول عبدالجلال خان و با عبدالعزیز خان قندهاری (که از جمله مشروطه خواهان معروف اند) و تأیید مولوی عبدالواسع و عبدالرحمان لودین مرا م و اهداف مشروطه خواهان اول را در ده ماده ذیل فهرست نموده است:

- ۱) اطاعت به اصول اسلام و تقدیس قرآن عظیم و قبول تمام احکام اسلامی.
- ۲) کوشش مداوم در به دست آوردن حقوق ملی و مشروطه ساختن رژیم حکومت تحت نظر نمایندگان ملت و تأمین حاکمیت ملی و حکم قانون.
- ۳) سعی در راه تلفیق عامه به درستی امور معاشرت و نکوهش عادات ذمیمه.

- ۴ (آشتی و حسن تفاهم بین تمام اقوام و قبایل افغانستان و تحکیم وحدت ملی .
- ۵ (سعی در اصلاح ملت از راه صلح و آشتی ، نه با دهشت افگنی و استعمال سلاح و زور .
- ۶ (تعمیم معارف و مکتب و وسایل بیداری مردم و مطبوعات .
- ۷ (تأسیس مجلس شورای ملی از راه انتخابات آزاد نمایندگان مردم .
- ۸ (تحصیل استقلال سیاسی و آزادی افغانستان و گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با دنیا خارج .
- ۹ (تأمین اصول مساوات و عدالت اجتماعی .
- ۱۰ (بسط مبنای مدنیّت جدید از صنعت و حرفت و ساختن شوارع و بلاد ابنیه و منابع آب و برق .
- طبق نوشته مرحوم حبیبی : « این ده مبداء را ایشان به تعبیر قرآنی تلك عشره كامله می گفته اند . »
- پوهاند هاشمی مصاحبه های مکرر یکبار با میرسید قاسم خان داشته و از برخی اسناد اندیا آفس لندن استفاده نموده است ، مرا منامه نه ما ده ای را که تدوین نموده با فهرست مراسم های مشروطه خواهان مندرجه کتاب حبیبی ، از نظر محتوا و ادای مطلب چندان تفاوت قابل ملاحظه ندارد ، بدین گونه :
- ۱ (استقرار نظام شاهی مشروطه ، واژگون کردن استبداد و برقراری حکومت قانون .
- ۲ (تشکیل و تأسیس شورای ملی .
- ۳ (تعویض یک اداره خشن ، تنبل ، فاسد و عیاش یک نفری ، به یک اداره فعال و صالح و کارکن گروپی .
- ۴ (کسب فرهنگ و علوم جدید به پیمانۀ وسیع و تعمیم معارف .
- ۵ (بیداری و رشد افکار مردم ، از طریق تأسیس و تعمیم مطبوعات .
- ۶ (کسب تمدن جدید و لزوم بسط آن در عرصه های گوناگون .
- ۷ (تأمین عدالت اجتماعی ، مساوات و حفظ حقوق مردم .
- ۸ (تأمین مبنای وحدت ملی .
- ۹ (تأمین استقلال سیاسی در سایه یک نظام ملی .
- طوریکه در فهرست پوهاند هاشمی دیده میشود ، صرف ماده اول مرانامه پوهاند حبیبی (اطاعت به اصول اسلام...) در آن به نظر نمیخورد که این امر شاید به خصوصیت سکولاری آن دلالت نماید .
- به هر حال طوریکه اسناد و گفتار شخصیت های درگیر در نهضت نشان میدهد ، محور اساسی و رکن عمده اهداف و مرام مشروطه خواهان را ، مشروطه ساختن رژیم مطلقه و استبداد تک فردی ، تأمین وحدت ملی بین قبایل و اقوام ساکن افغانستان ، تعمیم معارف جدید ، تحصیل استقلال ، آزادی سیاسی ، بهبود وضع زندگی مردم از طریق انگشاف علوم و تکنولوژی و استفاده درست و معقول از منابع طبیعی کشور تشکیل میداد . اگر چه این اهداف خیلی ساده و ابتدائی اند و به هیچ وجه آنرا یک مرانامه مکمل گفته نمی توانیم ، چه رکن عمده نظام مشروطه را تکلیف قوای ثلاثه دولت تشکیل میدهد که در جمله اهداف مشروطه خواهان نبود ، اما به هر صورت در شرایط استبدادی حکومت اولیگارش با نظام فیودالی و ماقبل آن و مناسبات اقتصادی قرون وسطائی برای افغانستان در آن زمان متوازن و متناسب بود

مطلب دیگر یکی در خور توجه است، پرابلم‌ها و خواست‌های ممالک تحت استعمار در آسیا در هنگام ظهور مشروطه‌خواهی تا اندازه‌ای متفاوت بود بناءً مرام، اهداف و شعارهای مشروطه‌خواهان نیز تمایز داشت. جنبش‌های مشروطه‌خواهی که در کشورهای اروپایی به راه‌انداخته شد و دولت‌های مشروطه‌بالاتر به‌های نظام فیودالی‌بناء گردید، در کشورهای آسیایی آوردن عین‌مودل امکان‌پذیر نبود، زیرا در غرب مشروطیت در شرایط پیشرفته فرهنگی و اجتماعی (در انگلستان پارلمان و انقلاب مشروطه در نصف دوم قرن هفدهم به کمال خود رسیده بود) ظهور نمود، در حالی که ممالک آسیایی هنوز اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و تحولات صنعتی را آزمایش نکرده بودند. با رعایت اختصار گفته می‌توانیم که در اروپا جنبش مشروطه در شرایط نظام سرمایه‌داری شکل می‌گرفت، علایم و آثار آن به سده پانزده میلادی بر میگردد، چنانچه به قول پوهاند هاشمی:

« نخستین نشانه‌های پیدایش سرمایه‌داری در قرون چهاردهم و پانزدهم آغاز شد. (۷۳) این نکته روشن است که رشد مناسبات تولیدی، افزایش پیشرفته و نهادهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در شکل نوعیت دول مشروطه اروپا مؤثر بوده است؛ نیروهای محرکه انقلاب‌های مشروطه را در غرب اکثرأ دهقانان و حتی کارگران دستگاه‌های صنعتی تشکیل میدادند که این امر هم به نوبه خود در ثبات و استحکام آینده نظام‌های مشروطه نقش داشت، در حالی که در کشورهای آسیایی و از آنجمله در کشور ما (افغانستان) این نهضت در تحت نظام سیاسی و اقتصادی مسلط فیودالی و ما قبل آن رشد مینمود. بنابراین عوامل فوق‌الذکر هنوز زمینه‌های عینی و ذهنی انکشاف جنبش مشروطه‌خواهی (نوع اروپایی آن) در کشور مساعد نبود و بنا بر همین ملحوظ جنبش مذکور صرف در محدوده شهر کابل، آنهم در بین روشنفکران با زادگاه‌های متفاوت، علی-الخصوص روشنفکران خورده بورژوازی بدون پایگاه قوی اجتماعی محدود میگردد و علت عمده ضعف و سرانجام از همپاشی مشروطیت هم در همین نقطه مضمراست.

با وجود تمام عوامل فوق‌الذکر مشروطه‌خواهان جنبش اول در مرانما خود یکی از ارکان عمده دولت پارلمانی (مشروطه) یعنی «قوه مقننه» یا شورای ملی را مطرح نموده بودند، چنانچه ماده هفتم مرامنامه (تلك عشره كامله) آنها مشعر است که:

« تأسیس مجلس شورای ملی از طریق انتخابات آزاد نمایندگان مردم. » (۷۴) خود میرساند که مشروطه‌خواهان با الهام از نشرات دموکراتیک آزادیخواهان بیرون مرزی آن عصر در مورد اصل عمده مشروطیت غرب (تفکیک قوای سه‌گانه) آشنایی کامل داشتند، اما در طرح آن وضاحت کامل وجود نداشت.

اصول مشروطیت تا سال ۱۹۱۹م‌طور رسمی از طرف دولت پذیرفته نشده بود و مبارزات مشروطه‌خواهان هنوز صیغه قانونی نداشت. اصل تفکیک قوای سه‌گانه دولت در قانون اساسی (۱۹۲۳م) مدون در عصر اعلیحضرت امان‌الله خان (دولت مشروطه) مطرح گردید که ما در بخش مربوطه آنرا به بررسی خواهیم گرفت.

رکن اساسی دیگر مشروطه غرب اصل «جدائی‌دیانت از سیاست» بود در اکثر کشورهای اسلامی (به استثنای ترکیه) نظر به شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی شان عملی نبود، چنانچه ژانت آفاری مؤلف «انقلاب مشروطه ایران» دست‌آوردهای انقلاب ایران را جمع‌بندی نموده مینویسد:

« قانون اساسی ۱۹۰۶ م و متمم آن ۱۹۰۷ م امتیازات شاه را محدود کرد ، اعطاء امتیازات را کاهش داد ، اصل حاکمیت ملت را برقرار کرد ، مجلس نتوانست تفکیک دین و دولت را به کرسی بنشاند . بر عکس متمم جدید محملی شد برای علمای شعیبه که اقتدار نهادی و ایدیولوژی خود را در چارچوب نظم جدید سیاسی حفظ کند و شعیبه اثنی عشری را مذهب رسمی کشور اعلام دارد . » (۷۵)

موفقیت يك انقلاب بستگی به وقت و ارزیابی انقلابیون از اوضاع و شرایط عینی جامعه دارد تا مطابق آن انقلاب فرهنگی - اجتماعی (انقلاب مشروطه) را در جوامع خویش پیاده نمایند . بنابراین ، باید متذکر شد که هیچ مدل دست نخورده مشروطیت اروپا برای ممالک آسیائی و افریقائی قابل تطبیق نخواهد بود ، تا با سنن ملی ، باورهای مردم ، وضع تاریخی - اجتماعی ، دیانت و فرهنگ جامعه تلفیق نشود . چنانچه در « تاریخ مشروطه ایران » در همین زمینه ، در مورد کاربرد مشروطه انتقالی مدل اروپائی ، بدون در نظر داشت شرایط خاص ایران چنین نگاشته می شود :

« ... نهالی را که از جایی آوردند و با خون مردم آبیاری کردند و این نهال هرگز در خاک این دیار ریشه نگرفت و به همین جهت هر روز پژمرده تر شد تا اینکه وجود آنرا هم لازم ندانستند و بیخ خشک شده اش را در آوردند و دور انداختند . این مشروطیت دیگر درست مشروطه غربی بود . (۷۶)

این مطلب نباید طوری پنداشته شود که گویا مشروطه خواهان باید برای مدتی منتظر مساعده شدن شرایط خاص و تکامل « فلسفه عقلانی » اروپائی می بودند و بعداً در شرایط مناسب این جنبش را به راه می انداختند ، بلکه تأکید بالایی شیوه پیاده نمودن و شکل کاربرد آن در شرایط کشورهای مختلف است و تأکید هم در آن است که مدل مشروطه غرب با اهداف مربوطه آن بدون دست کاری برای جوامع مختلف قابل پذیرش نیست .

سمبول مشروطه خواهان افغانستان از جمله آن اسناد ارزشمند تاریخی است که تا حال به ما رسیده و مانند مراسم شاد در شناخت هویت آنها کمک میکند .

از آنجائیکه نهضت مشروطه در شرایط استبدادی امیر حبیب الله خان سراج الملت والدین به منظور حل تضاد های بیش از يك و نیم قرنه که ملت مظلوم ما را در بدترین و دردناکترین وضع اقتصاد و اجتماعی نگه داشته بود ، به راه انداخته شد و مبارزه علیه این بیدادگری در تحت چنان شرایط هم کار سهل و ساده نبود ، چنانچه وثایق تاریخی نشان میدهد و افراد معمر نیز حکایت میکنند ، امیر آنقدر مستبد ، خود خواه و مطلق العنان بود که حتی تحمل شنیدن کلمه « مشروطه » را هم نداشت تا چه رسد به آنکه در برابر پیشنهادات به حق مبارزین مشروطه خواه در پای میز مذاکره بنشینند . این برخورد خشن و مستبدانه دولت مبارزین را واداشت تا از شیوه های مخفی کاری و فعالیت های غیر علنی استفاده نمایند . بنابراین آن حین مذاکره و مباحثه اعضاء در حلقه های کوچک و یا در اثنای جلب و جذب اعضای جدید جهت وفاداری و حفظ راه های جمعیت مذکور از آن سمبول که از قدسیت و تکریم برخوردار بود استفاده می نمودند و اعضاء جدیداً لشمول را به آن سوگند میدادند تا در پیشبرد راه های حزب کوشا بوده و در اجراء آنها صادقانه عمل نمایند . در عهد سلطنت امان الله خان این سمبول در نظامنامه نشان های دولت علیه افغانستان منحیث يك نشان دولتی تعریف و تعیین خصوصیت گردید . اجزاء سمبول فقط مشتمل از يك جلد کتاب (قرآن عظیم الشان که جهت گرفتن تعهد مبنی بر حفظ اسرار حزب در حلقه های مشروطه خواهان حین مذاکره گذاشته میشد) ، يك قبضه شمشیر و يك دوات با يك قلم پر دار بود که بعد از جلوس اعلیحضرت امان الله خان به حیث نشان

معارف افغانستان قبول گردید و این علامت تاجندی قبل بالای مکاتیب وزارت معارف ، روی جلد کتب و سایر
نشریات آن وزارت به نظر میخورد .
ادامه دارد

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

Dr. Ajruddin Hashmat
97 Forest Heights Str.
Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada
Tel (905) 665-8767